

International
Conference on
Jurisprudence, Law
And
Religious Research

September 15, 2020
Tbilisi - Georgia



حیات در قصاص، با استفاده از روش های ویرایش ژنوم و شبیه سازی قاتل با توجه به نظریه منطقه الفراغ

سید محمود رضویان (نویسنده)^۱، محمد رضا دهقان کلشادی (همکار)^۲

۱- هیات علمی، دانشکده الهیات و علوم انسانی دانشگاه پیام تور، اصفهان، نجف اباد

۲- هیات علمی، دانشکده الهیات و علوم انسانی دانشگاه پیام تور، اصفهان، نجف اباد

چکیده

تفسیر آیات قرآن نیازمند بازنگری هایی بر اساس یافته های جدید علمی و پیشرفت های فکری انسان ها می باشد. یکی از این آیات، آیه ۱۷۸ سوره بقره است. از جمله مسائلی که در ارتباط با قصاص قاتل مطرح می گردد این است که قاتل جانی فقط به خاطر قتل با شرایط خاص دست به جنایت زده است این در حالی است که قاتل دارای صفات مثبت دیگری می باشد که به وسیله قصاص حق حیات از او سلب شده و بقیه صفات گوناگون او در راستای تکامل و زندگی قادر به بروز و شکوفایی نیست. از طرف دیگر، در مورد صفت ضد اجتماعی وی نیز الزامی بر این نیست که همه بخش های مورد نیاز به بروز صفت را مرتبط با اراده آگاهانه وی بدانیم و نقش جبر و عدم تسلط شخص بر بروز رفتارش نادیده گرفته شود چرا که مبانی بسیاری از اینگونه رفتارها مربوط به عملکرد ژن های فرد می باشد. لذا، آیا میتوان با در نظر گرفتن نظریه منطقه الفراغ به کمک تکنولوژی های نوین زیستی مانند روش های شبیه سازی، ویرایش ژنوم و استفاده از سلول های بنیادی، با حفاظت تعدادی از سلول ها، در آینده بخش مرتبط با بروز ناهنجاری های اجتماعی مانند رفتارهای تهاجمی قاتل را حذف یا اصلاح کرده، سپس او را دوباره متولد کرده و حق زندگی مجدد در این دنیا به او داده شود؟ این مقاله به بررسی جنبه های فقهی، حقوقی و برخی جنبه های زیست شناختی مطالب مرتبط به این نظریه نوین می پردازد. **کلید واژه:** قصاص، حیات، شبیه سازی، ژنوم، ویرایش.



۱- مقدمه

اصولاً با قصاص قاتل جزای او داده خواهد شد اما از طرفی صفت قاتلیت او یکی از هزاران صفتی بوده که در او وجود داشته است لذا با قصاص قاتل تکلیف بقیه صفات او که نتوانسته است بروز پیدا کند چیست. به تعبیر دیگر بدین وسیله با قصاص ما جلوی ظهور و بروز صفات مثبت او را گرفته ایم و حقوق او را ضایع نموده ایم این در حالی است که قاتل قتل عمد کرده است و ولی دم راضی به اخذ دیده نمیشوند لذا جانی قصاص می شود. به نظر می رسد باز خوانی حیات در قصاص، با استفاده از روش های ویرایش ژنوم و شبیه سازی قاتل و نظریه منطقه الفراغ نظریه جدیدی باشد در راستای حیات مجدد و ظهور و بروز صفات خوب جانی که با ویرایش ژن قاتلیت او فردی سالم را حق حیات مجدد داده باشیم.

تمامی افراد انسانی به این دلیل که متعلق به یک گونه به نام انسان هوشمند هستند از لحاظ ژنومی مشابهت دارند. تفاوت های موجود در انسان ها به سه دلیل اصلی ایجاد می گردد. ۱- تفاوت در آلل های هر فرد ۲- تفاوت در ترکیب آللی ۳- تغییرات اپی ژنتیکی به واسطه محیط. در ضمن آموزش ها و دانسته ها نیز بر نحوه رفتار هر فرد پس از برهمکنش با ژنوم وی، موثر است (plomin et al., 2013).

نکته قابل توجه این است که باید ترکیب آللی و تفاوت های آللی را مورد مطالعه قرار داده و از تواناییهای بالقوه انسان استفاده نمود. به عبارت دیگر نمی توان الزامی به حذف این ترکیب آللی (قاتل) از جمعیت ها داشت.

این در حالی است که در احکام جزایی اسلام با توجه به قتل عمدی که توسط قاتل انجام شده است بر مبنای صریح آیات قصاص و روایات، فقیهان حکم به قصاص داده اند و قانونگذار نیز طبق همین نظرات آنرا در قوانین جزایی لحاظ کرده است. لذا برای برون رفت از این تناقض (حذف فرد در برابر نیاز به حفظ ژنوم فرد در جامعه و حفظ تنوع ژنتیکی برای ادامه حیات و پیشرفت فکری و معنوی) استمداد از تکنولوژی ضروری به نظر می رسد.

در این راستا از دو نوع تکنولوژی می توان جهت جلوگیری از حذف کامل فیزیکی قاتل استفاده کرد. اول ویرایش ژنومی فرد قاتل و، دوم شبیه سازی فرد قاتل. امروزه با توجه به دانش های ژنتیک و سلولی ملکولی می توان سلول های فرد را به همراه ژنوم کامل وی برای مدت زیادی نگهداری نمود (Chagastelles and Nardi, 2011).

بر این اساس از حذف کامل فرد جلوگیری شده و بدین ترتیب قرائت جدیدی با توجه به نظریه منطقه الفراغ در حیات بودن قصاص با توجه به آموزه های قرآنی می توان تعریف نمود. اجرای این روش در حال حاضر با توجه به هزینه های بالای آن می تواند از بیت المال تهیه گردد و برای افراد فرهیخته جامعه در اولویت قرار گیرد.

۲- مشکلات فقهی و حقوقی شبیه سازی

مشکلات فقهی و حقوقی را می توان در چهار بخش خلاصه کرد:

فقدان هویت و شخصیت حقوقی و قانونی انسانی که این گونه متولد شده است.

ابهام در رابطه نسبی میان فرد شبیه سازی شده با کسی که سلول اولی یعنی سلول جسمی است.

ابهام در رابطه میان فرد شبیه سازی با زنی که نطفه در رحم او کشت شده است.

ابهام و اشکال در مشروعیت این عمل، حرمت نکاح، نفقه و توارث مطرح گردیده است (محمدی، ۱۳۸۸، ص ۲۵۶).

بر اساس معایبی که برای شبیه سازی انسان در نظر گرفته می شود و با توجه به مشکلات فقهی و حقوقی آن، هنوز در مجامع علمی، قانون گذاری و سیاسی جهان هیچ مجوز قانونی برای این کار وجود ندارد و ممنوع می باشد. در حال حاضر تکنیک های مختلف مورد استفاده در شبیه سازی فقط برای معالجه یا اجتناب از بیماری ها مورد استفاده قرار می گیرد و برای شبیه سازی انسان کامل وجه قانونی ندارد.

۳- ساختار جمله حیات بودن قصاص

آیا نص صریح قرآن فقط وقتی در نظر است که گفته باشد این کار را بکنید یا نکنید و مثلاً وقتی می گوید در قصاص حیات هست، پس نوعی دستور به حساب می آید یا اینکه این فقط یک جمله خبری است؟ آیا می بایستی جوانب آن در نظر گرفته شود و با توجه به شرایط و امکانات موجود زمانه به تفسیر متناسب و اجرای آن اهتمام کرد؟ مثلاً در زمان نزول آیه احتمالاً این مسئله مطرح بوده که مردمان فقط به یک قصاص بسنده کنند و از ادامه جنگ و خونریزی بپرهیزند تا حیات به جامعه برگردد. قصاص قاتل در عصر جاهلیت هم وجود داشته است؛ اما چون تابع قانون و نظم خاصی نبوده است، این آیات در راستای نظام مند کردن آن نازل گردیده است.

علامه طباطبایی در این خصوص می فرمایند: در عصر نزول آیه قصاص و قبل از آن نیز عرب به قصاص و حکم اعدام قاتل، « معتقد بود، لکن قصاص او حد و مرز نداشت؛ بلکه به نیرومندی قبائل و ضعف آن ها بستگی داشت. چه بسا می شد یک مرد در مقابل یک زن، قصاص می شد و چه بسا در برابر کش تن یک مرد، ده مرد کشته می شد و در مقابل یک برده، آزادی به قتل می رسید و در برابر مرثوس یک قبیله، رئیس قبیله قاتل قصاص می شد و چه بسا می شد که یک « قبیله، قبیله ای دیگر را به خاطر یک قتل به کلی نابود می کرد (طباطبایی، ۱۳۷۵: ۴۲۷/۲ و ۴۲۸).

در جواب باید گفت بله مواردی داریم که ظاهر خطاب خبری است اما در ورای این ظاهر خبری جمله امر نهفته است. لذا با توجه به موارد ذیل می توان به امر ارشادی در این زمینه قایل شد.

اول، قصاص ضامن حیات جامعه است و اگر این حکم به هیچ وجه وجود نداشته باشد، افراد مستعد قتل احساس امنیت می کنند و جان سایر افراد جامعه به خطر می افتد.

دوم، قصاص مایه حیات معنوی قاتل است؛ زیرا اجرای قصاص، باعث کفاره و آمرزش بخشی از عذاب اخروی او خواهد شد. در این شرایط وقتی قاتل به جزای این عمل خود رسید باید بتواند جهت بروز صفات خوب دیگرش حق حیات داشته باشد.

سوم، با اجرای حکم قصاص تحت نظارت حکومت اسلام، جلوی اقدامات انتقام جویانه قبایل و طوایف که گاه منجر به قتل عام جمع زیادی از انسانها می شود، گرفته می شود و به این ترتیب است که، آیه مزبور به یک سنت جاهلی پایان داد و از این راه آرامش و حیات جامعه را به دنبال آورد. لذا از همین روست که عده ای در وجوب قصاص تردیدی ندارند اما با ذکر ادله ای آنرا حمل بر وجوب تخیری می نمایند. (ر. ک. رحیمی نژاد و ذاکر، ۱۳۹۲، ص ۷۲ و ۷۱).

International Conference on Jurisprudence, Law And Religious Research

September 15, 2020
Tbilisi - Georgia



لذا این برداشت جدید در راستای حیات بودن قصاص قابل توجه به نظر می رسد.

۴-تفسیر و تبیین حیات در قصاص

اکثر مفسرین در تفسیر این آیه به مسئله حفظ حیات انسانی در اثر تشریح و اجرای این حکم اشاره کرده‌اند و هدف و فلسفه اصلی قصاص را همین امر می‌دانند، لذا ابتداءً این هدف اصلی را در دو قسمت مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۴-۱ حیات ناشی از اجرای قصاص

عده ای در این آیه «و لکم فی القصاص حیوه یا اولی الباب» معتقدند مراد از حیات، نفس قصاص نیست بلکه مراد، تشریح قصاص است که به حیات منتهی و ختم می شود ... چرا که وقتی کسی بخواهد دیگری را بکشد با علم به این که اگر کسی بکشد، کشته خواهد شد، لذا دست از قتل می کشد و در نهایت زنده می ماند. در مورد مقتول هم، کسی که می خواهد او را بکشد، زمانی که از قصاص بترسد و دست از قتل بکشد پس او نیز زنده می ماند ... و در حق دیگران نیز با تشریح قصاص کسانی که به طرفین قتل متعصب بودند باقی می ماندند (رحیمی نژاد و دیگران، ۱۳۹۲، ص ۸۱ و طبرسی، ۱۴۱۶، ق، ج ۲، ص ۵۰).

به طور قطع، بخشی از فلسفه قصاص در اثر اجرای این حکم در جامعه تأمین خواهد شد. اجرای قصاص نسبت به شخص قاتل، اگرچه موجب سلب حیات دنیوی او خواهد شد، اما تنها راه رهایی از عذاب اخروی تسلیم شدن در برابر حق مشروع اولیای دم است تا اگر بخواهند او را عفو نمایند و اگر بخواهند قصاص کنند. البته اجرای قصاص نسبت به قاتل نیز می‌تواند سبب حیات مطلوب و پسندیده در آخرت بشود و او را از عذابی که به تعبیر قرآن (لا یموت فیها ولا یحیی) (۳۵) است رهایی بخشد.

۴-۲ حیات ناشی از تشریح قصاص

مهم ترین تأثیر یک قانون جزایی، بازداشتن انسان‌ها از ارتکاب جرم است و بهترین قانون در این زمینه، قانونی است که بتواند ارتکاب جرم را به حداقل ممکن برساند، به ویژه اگر جرم سنگینی مانند قتل نفس باشد که خسارت جبران ناپذیری برای جامعه، به خصوص خانواده مقتول به همراه دارد. تشریح قصاص، اگر تنها راه برای به حداقل رساندن جرم قتل و سایر جرایم علیه تمامیت جسمانی نیست، قطعاً بهترین و حکیمانه ترین راه برای این منظور است. اگر بتوان کسی را از قصد کشتن دیگری منصرف نمود اطمینان بخش ترین راه آن، تهدید نمودن او به مقابله به مثل است و الا هر مجازات دیگری ممکن است برای او قابل قبول باشد و او را از قصد خود منصرف نکند. البته اگر کسی قصد کشتن دیگری را حتی به قیمت جان خود داشته باشد، نمی‌توان او را با تهدید به مجازات، از قصد خود منصرف کرد. بنابراین، تشریح قصاص به منافع خود، اراده کرده‌اند و طبعاً هر گاه که شخص از کشتن دیگری منصرف شود، هم حیات دیگری حفظ خواهد شد و هم حیات خود او که در صورت ارتکاب قتل از بین می‌رفت.

بنابراین، در تشریح حق قصاص نیز حیاتی گسترده تر از آن چه در اجرای آن وجود دارد، نهفته است و این خود نشان دهنده این واقعیت است که فلسفه قصاص لزوماً در اجرای آن نیست، بلکه خود قانون و وجود حق قصاص در جامعه می‌تواند اثر بازدارندگی خود را داشته باشد. این، برداشت و تفسیری است که اکثریت، بلکه تمامی مفسرین در خصوص فلسفه قصاص بیان کردند (۳۶). (طباطبایی، ۱۳۷۵، ۴۴۳ و رشید رضا، ۱۳۲).

مطالعات، شواهد و نگاهی به اجتماع نشان می دهد که با همه اطلاعی که همگان از قصاص در رابطه با قتل دارند اما باز هم قتل رخ می دهد. دلایل اصلی میزان باقی مانده از وقوع قتل دو چیز است. اول اینکه قاتل فرض را بر این می گذارد که کسی نخواهد توانست اثبات کند که وی قتل را انجام داده است و موقع قتل پنهان کاری می کند. دوم اینکه قتلی که منتهی به حکم قصاص می شود را با اراده فیزیکی اما بدون تسلط به این اراده انجام می دهد. به عبارت دیگر در لحظه قتل اراده جلوگیری کننده از بروز قتل نمی‌تواند منجر به جلوگیری از اراده مقدم بر آن یعنی اراده انجام آن شود. در هر دو صورت شخص توان مدیریت ذهنی خود که منجر به قتل می شود را ندارد و مطالعات نیز نشان داده است که اینگونه رفتارها به دلیل عدم توازن است که در ژنوم فرد نهفته است، و اثرات محیطی آن را تشدید کرده یا منجر به بروز آن می شوند اکنون و در دنیای مدرن این قضیه نیز مطرح است که از همه توانایی های هر فرد برای پیشبرد جامعه استفاده شود و فرد در جهت بهترین توانایی خود برای خدمت به جامعه مورد استفاده قرار گیرد. امکانات شناخت این توانایی ها نیز فراهم شده و دانش آن وجود دارد. بنابراین واجب است که جنبه های بیشتری از حیات در قصاص مورد بررسی قرار گیرد. به نظر می رسد این وجه آیه فقط خبری نیست و نوعی امر نیز هست.

بر این اساس حیات بودن قصاص را می توان با استفاده از علوم و تکنولوژی های جدید مربوط به زندگی بهینه جامعه و همچنین برای قاتل در نظر گرفت به طوری که با ویرایش ژنوم وی، زندگی سالم و مستمر تری در جامعه ایجاد شود.

۵-شبه سازی از دیدگاه فقیهان

۵-۱ فقیهان اهل سنت

خبرگزاری (پارسیه) به نقل از ابن عثمان، عضو هیئت علمای عربستان سعودی می نویسد: کم ترین مجازات مبتکران شبه سازی، بریدن دستها و پاهای آنان می باشد یعنی مجازات مفسدین فی الارض، زیرا به عقیده وی این کار بزرگ ترین فساد در زمین است (اشرفی، ۱۳۷۶، ص ۶۶).

مجمع پژوهشهای اسلامی دانشگاه الازهر قاهره که بالاترین مرجع دینی اهل تسنن به شمار می رود، روش شبهه سازی را حرام اعلام کرد. به گزارش شبکه تلویزیونی الجزیره در این فتوا آمده است: شبهه سازی حرام است و باید با آن مقابله کرد و با استفاده از هر وسیله ای از آن جلوگیری شود (علیان نژاد، ۱۳۸۰، ۲۳).

یوسف القرضاوی، مفتی مصری مقیم قطر، به شدت شبهه سازی را محکوم و آن را مغایر با اختلاف و تنوع در خلقت دانسته (سعیدیانی، ۱۳۸۲، ۲۳).

شورای روابط اسلام و آمریکا نیز اعلام کرد که کارشناسان مسائل اسلامی با شبهه سازی انسان صریحاً مخالفت کرده اند، همچنین اتحادیه عرب و سازمان کنفرانس اسلامی اخیراً با صدور بیانیه ای مخالفت صریح خود را با پروژه شبهه سازی اعلام کردند. «مجمع بررسیهای اسلامی» کسانی را که تکنولوژی شبهه سازی را بر روی انسان انجام می دهند، محارب دانسته است. به هر حال عموم علمای اهل سنت شبهه سازی را به هیچ عنوان تحت هیچ شرایطی قبول نداشته و آن را دخالت در کار خدا دانسته مردود میدانند.

۵-۲ فقیهان شیعه

International
Conference on
Jurisprudence, Law
And
Religious Research

September 15, 2020
Tbilisi - Georgia



مراجع و علمای عصر حاضر، شبیه سازی حیوانات را جایز می دانند ولی در مورد شبیه سازی انسانها نظرات مختلفی دارند اما در ارتباط با شبیه سازی و تکثیر انسان در آزمایشگاه و از طریق روشهای پیشرفته علمی (کلوناز) چنین نظراتی را دارند: آیت الله فاضل لنکرانی به این باره است که: شبیه سازی به عنوان اولی اشکال ندارد لکن اگر مفاسدی بر آن مترتب شود، به عنوان ثانوی جایز نیست.

آیت الله مکارم شیرازی معتقد است که: شبیه سازی با وجود محاسنی که دارد دارای معایب و مفاسد زیادی است بنا بر این جایز نیست. آیت الله سیستانی و آیت الله معرفت به این باور هستند که: شبیه سازی انسان فی حد ذاته قطع نظر از محاسن و معایب و مفاسد آن، مانعی ندارد. ولی به حکم ثانوی به دلیل پیامدها منفی آن (هر چند در جهت حل مشکل جامعه انسانی به کار برده شود) حرام است و ناجایز. اما هستند کسانی که به شبیه سازی انسان معتقدند از جمله: آیت الله موسوی تبریزی بر این باور است تولد از طریق شبیه سازی نه تنها دخالت در خلقت نیست، بلکه خداوند به انسانها را مجاز نموده که در اسرار طبیعت دست به کشف بزنند و نظام هایی را مدون کنند و از آن به نفع خود استفاده کنند (ر. ک. پورقهرمانی، ۱۳۸۳، ص ۱۳).

آیت الله موسوی بجنوردی شبیه سازی انسان را از نظر شرعی بلا مانع می دانند و به این باورند که آثار منفی در هر موجودی وجود داشته و دارد هر چند از راه شرعی و قانونی تولید شده باشد. بنابراین معایب و محاسن تنها در استفاده و کار برد نقش دارد که چگونه و در چه جهتی بکار برده شود. ایشان در این خصوص میفرماید «إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى» (حجرات ۱۳) به روش معمول اشاره می کند؛ یعنی بیشتر مردم از طریق ترکیب اسپرم و تخمک پدید می آیند. حال به روشی دیگر ما از مخلوق خداوند سبحان، انسان دیگری پدید می آوریم؛ این انسان باز هم مخلوق خدا محسوب میشود. در عالم خلقت ما استقلال نداریم؛ ما از مخلوق خداوند سبحان استفاده می کنیم. انسان دو حیات دارد: حیات حیوانی و حیات انسانی. قرآن: میفرماید؛ «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ»؛ «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ». «ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مِضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا» خلقت اول، مراحل خلقت حیوانی را میگوید و منظور از خلقت آخر، خلقت انسانی است که همان نفس ناطقه یا روح است. انسان روح را نمیتواند تولید کند با کلون سازی یا هر شیوه دیگری؛ مقتضیات حیات حیوانی تولید میشود، اما روح را، نفس ناطقه را خداوند سبحان میدهد (ر. ک. اسفندانی و دیگران، ۱۳۹۴، صص ۱۰۹-۱۰۸).

استاد مطهری در این باره معتقد است اگر بشر روزی چنین توفیقی حاصل کند (قانون خلقت جانداران را کشف کند و تمام شرایط و اجزای مادی ترکیب موجود زنده را به دست آورد و عیناً نظیر ماده زنده طبیعی را بسازد)، از نظر کشف علمی کار مهمی کرده است، ولی از نظر دخالت در ایجاد حیات به همان مقدار دخالت دارد که پدر و مادر از طریق تناسل در ایجاد حیات فرزند دخالت دارند، و یا کشاورز در ایجاد دانه های گندم دخالت دارد؛ در هیچیک از موارد، انسان خلق کننده نیست؛ فراهم کننده شرایط قابلیت یک ماده برای حیات است (همان، ص ۱۰۹).

همچنان آیت الله سید محمد حسین فضل الله. اصل شبیه سازی انسان را جایز می داند و آن را «خلقت از عدم» نمی شمرد و نشانه ای بر قدرت انسان در کشف قوانین و نظامهایی می داند که خداوند در عالم خلقت گذاشته است. البته ایشان هم، تکثیر و رواج مسأله را جایز نمی داند ۹ (فضل الله، ۱۴۲۳، ق، ۶۷). نتیجه: در فقه شیعه در خصوص این مسئله اتفاق نظر وجود ندارد و می توان به دیدگاه های مختلف از رد مطلق تا پذیرش کامل آن اشاره کرد که در یک تقسیم بندی کلی به قرار زیر است:

جواز مطلق شبیه سازی انسانی؛

جواز محدود شبیه سازی انسانی؛

حرمت ثانوی شبیه سازی انسانی؛

حرمت اولی شبیه سازی انسانی (ر. ک. اسفندانی و دیگران، ۱۳۹۴، صص ۱۰۰-۹۹).

پرسشی که در اینجا مطرح است این است که اصولاً آیا قصاص می تواند مانع از جرم و جنایت شود؟ و یا اینکه اجرای قصاص در موارد جرم بسیار خشن و از پیش برنامه ریزی شده جانی، امری حتمی در راستای حذف این افراد از جامعه در مولفه های دینی مطرح است؟

در جواب باید گفت: نگاه از دید بیماری به پدیده ناهنجاری اجتماعی مستلزم مطالعه و شناخت مبانی ژنتیکی، بیوشیمیایی و سلولی نوع واکنش است. آنچه مشخص است و تجربیات اجتماعی در جوامع مختلف نشان می دهد، قصاص نتوانسته است مانع بروز قتل در جامعه از طریق تاثیر گذاری بر احساس ترس از مقابله به مثل شود اما در هر حال با حذف افراد ناهنجار به طور قطع از تعداد وقوع آن کم کرده است. البته چالش هایی در زمینه شبیه سازی قاتل و سپس ویرایش ژنوم او مطرح می گردد آیا از منظر حقوقی قاتلی که بعداً حیات مجدد پیدا می کند آیا حق بیشتری از حیات نسبت به افراد همگون خود پیدا نمی کند؟ آیا قاتلی که دارای صفت قاتلیت بوده است واقعا این صفت در موارد دیگر از جمله جنگ و قتال با دشمن کارایی ندارد؟ آیا اگر بنا بود این صفت در این گونه انسانی نباشد طبیعت نمی بایست در طی تکامل و گذشت میلیون ها سال در حذف این گونه صفات موفق می بود در حالی که این گونه به زندگی خود در طول تاریخ ادامه داده است؟ همه این پرسش ها با توجه به موضوع شبیه سازی و ویرایش قاتل باید با مبانی فقهی جواب داده شود و به جوابی واحد در این زمینه برسیم که علی رغم تمامی چالش های فرا روی این نظریه، بر آن هستیم که تفسیر علمی جدیدی در مفهوم آیه «و لکم فی القصاص حیاة» را با کلون و ویرایش قاتل باز خوانی بنماییم. که فرد کلون شده فردی جدیدی است که در واقع حیات دوباره نیافته است بلکه از قابلیت های او در قالب فردی جدید استفاده شده است. البته این موضوع در مقام اثبات نیست اما به عنوان یک نظریه مطرح است. ولی در صورتی که همان فرد ایجاد شود هم منافاتی نداریم زیرا در قصاص حیات هست.

با توجه به آیات مربوط به خلقت مشخص شد که دانشمندان اقدام به خلق انسان از آن جهت که خلقت به معنای ابداع و ایجاد باشد، نکرده اند، بلکه فقط توانستند روشی جدید را در تولد انسان به وجود آورند. تنها تفاوت انسان شبیه سازی شده و سایر انسانها در نحوه تولد است و این تفاوت دلیلی بر عدم وجود روح در او نیست. با توجه به مسئله معاد و رسیدگی به اعمال که مقتضای عدل و حکمت الهی است، فرد اصلی با نسخه او، دو فرد با دو بدن و دو روح هستند و هرگز دارای شخصیت واحد نیستند؛ زیرا اگر انسان شبیه سازی شده کپی اهداکننده سلول باشد و هر دو دارای یک روح باشند، پس از مرگ و در بازگشت روح به بدن لازم می آید که یک روح به دو بدن بازگردد،

International Conference on Jurisprudence, Law And Religious Research

September 15, 2020
Tbilisi - Georgia



که این مغایر با عدالت و حکمت خداوند است. انسان شبیه سازی شده دارای روح و شخصیت مستقل است. بنابراین باید با دیدی آینده نگرانه در رابطه با حقوق و تکالیف بحث و بررسی و در نهایت قانونگذاری شود (اسفندانی و دیگران، ۱۳۹۴، ۱۱۴).

سیاست جنایی اسلامی یک سیاست ایدئولوژیک است که متکی بر بایدها و نبایدهایی است که مستند به اصول اخلاقی یا فرامین شرعی و یا ارزش های فرهنگی جامعه است. گفتار کفیری اسلام بر پایه اصول و تأسیسات متنوعی، همچون مدارا، رفق و تیسر مبتنی است " هنگامی که مجازات می کنی، شدت به خرج نده [۱]. قرآن در اجرای اصل تناسب جرم و مجازات منعطف است به عنوان مثال قصاص را در مواردی که اجرای این مجازات با مانع اخلاقی روبه روست بر نمی تابد و پاسخ های انطباقی ویژه ای را مقرر می دارد. حال چرا نتوانیم کلون سازی را بر همین اصول تعریف جدیدی کنیم؟ از طرف دیگر با توجه به مساله روح در انسان شبیه سازی شده می توانیم به نظریه ای جدید معتقد شویم که فرد شبیه سازی شده در واقع حیات جدیدی نیافته است بلکه با این تکنیک قابلیت های او را در قالب فرد دیگری نمایان ساخته ایم.

۶- همسویی شبیه سازی و ویرایش ژنوم انسان با حیات بودن قصاص

مخالفتان شبیه سازی به دلایلی اعم از: نابودی تنوع انسانی، عدم بازشناسی افراد شبیه سازی شده، لزوم تولید مثل جنسی، از بین رفتن مفهوم مادری، گسترش روابط نامشروع جنسی، از بین رفتن نهاد ازدواج و نابودی خانواده، مشکلات مربوط به سلامتی فرد کلون شده، استناد می کنند. در ضمن به دلایلی اخلاقی نیز اشاره می کنند: مشکل مربوط به رضایت فرد کلون شده، نگرانی مربوط به تولید انسان به منزله کالا (ر. ک. ایزدی فر، حاجی حسینی، ۱۳۹۴: صص ۱۰۸-۹۳).

بنابراین با بر شمردن منافع شبیه سازی از جمله: شناخت ریشه امراض سرطانی، درمان آثار منفی وراثت، عوامل مصونیت از بیماری، یافتن علل سقط جنین، امکان باروری زوج های عقیم، کمک به سلامت نسل آینده، مشارکت در استفاده از صفات ممتاز افراد و بهینه سازی حیات آنان، کمک به موفقیت تحقیقات با اجرای آنها بر روی انسانهای کاملا مشابه به منظور اطمینان از سلامت نتایج تحقیقات، این امکان را فراهم می سازد که فرزندان سالم داشته باشیم (همان: ص ۹۳).

البته باید توجه داشت که معمولا در قصاص حذف افراد از انتهای منحنی توزیع نرمال انجام می شود.

به عبارتی افرادی که دارای صفاتی با شدت بروز بالا هستند از جمعیت حذف می شوند. مثلا کسانی که توانایی کنترل لحظه ای احساسات خود را ندارند. این افراد در انتهای دامنه بروز صفت قرار دارند و بنابراین حذف آنها از جمعیت، موجب حذف دو انتها و یا یک انتهای منحنی توزیع نرمال در جمعیت می شود و بنابراین ساختار توزیع نرمال جمعیت بهم می خورد (Jang, 2005).

به علاوه حذف این افراد می تواند بر ساختار جمعیت در سایر صفات هم تاثیر بگذارد لذا احتمال دارد حیات بودن قصاص باز ویرایش قاتل و بروز صفات دیگرش قابل توجه باشد. ما در این جا به هیچ وجه منکر قصاص طبق نص قران نیستیم

اما توجه و رویکرد به علل جرم و جنایت که معمولا با منشا های بروز تنوع شامل دو گروه اصلی محیطی و ژنتیکی است که بروز برخی از تنوعات مربوط می شود به اثر گذاری بخش محیط بر ژنوم. منشا های محیطی بروز تغییرات شامل تغذیه، آموزش، کیفیت زندگی، در معرض قرار گرفتن با عوامل آلاینده و سموم، اقلیم، فرهنگ و ... است. منشا ژنتیکی تفاوت ها شامل جهش های ژنی و کروموزومی، تولید مثل جنسی (نوترکیبی، ظرفیت های تولید مثلی و انتخاب جفت)، تغییرات اپی ژنتیکی و جریان ژنی است و این موجب حذف تنوع از جمعیت انسانی است (Natsuki et al., 2010).

به ویژه بسیاری از افراد دارای صفاتی همچون همت انجام کار با ریسک بالا و احساسات مخصوص در این جا کشته می شوند. از طرفی طبیعت با زبان بی زبانی به ما در حفظ تنوع در موفقیت انسان سخن گفته است. این در حالی است که مثلا تسخیر همه زیستگاه های کره زمین و حتی فضا و زیستگاه های دیگر در منظومه شمسی از ویژگی های همین انسانی است که دارای ژن مخصوص و بی پروایی است پس باید بعد حذف قصاص که کفاره جنایت اوست او را حق حیات بدهیم تا در بروز بقیه صفاتش موفق باشد.

۷- منطقه الفراغ و جایگاه شبیه سازی در قرآن

از آنجا که منطقه الفراغ، خالی از حکم الزامی است لذا نقش حاکم شرع یا ولی فقیه، آوردن هر حکمی نیست بلکه آوردن یا برداشتن احکام الزامی است چرا که اعتقاد آن است که این منطقه که دارای حکم میباشد فقط حکم الرامی ندارد بنا بر این با استناد به این منطقه حاکم شرع می تواند الزام های شرعی ناظر به این منطقه را بردارد (راعی، حسینی، ۱۳۹۱، ص ۵۵).

با توجه به نقش کلیدی این نظریه در حکم حکومتی، گره گشایی آن در مسائل مستحدثه و با عنایت به نقش مقتضیات زمان و مکان، تبیین ابعاد ظرفیت نظریه منطقه الفراغ در صدور احکام حکومتی الزم است تا از این رهگذر بتوان به نظام راهکارهای مناسبی جهت پیشبرد جامعه اسلامی در راستای پیشرفت و عدالت همه جانبه دست یافت (راعی، حسینی، ۱۳۹۱، ص ۹۹).

لذا با توجه به این نظریه کارساز در فقه اسلامی می توان نتیجه گیری کرد که کلونینگ قاتل با توجه به مصلحت زمان و مکان و کرامت و عدالت می تواند در این زمینه قابل توجه باشد.

نتیجه گیری

به دلیل تنوع ژنتیکی بسیار زیاد و همچنین بروز ناهنجاری های ژنی، انسان ها طیف وسیعی از صفات را بروز می دهند که برخی از آنها به صورت صفات متناقض ارزش ها و اهداف اجتماع بروز می کند. یکی از این صفات ارتکاب قتل است که مبانی بروز اینگونه صفات در اصل رفتارهای برخاسته از ژنوم و آموزش های محیطی است. در عین حال، افراد دارای صفات مختلف هستند که الزاما همه آنها منافاتی با ارزش های مطلوب اجتماعی ندارند و بر این اساس الزامی به حذف آنها از جامعه نیست. در این مقاله به

International
Conference on
Jurisprudence, Law
And
Religious Research

September 15, 2020
Tbilisi - Georgia



راهکاری نوین برای حفاظت از تنوع ژنتیکی افراد مجرم جانی دارای صفت ضد ارزش آنها پرداخته شد و مبانی فقهی و حقوقی آن مورد بررسی قرار گرفت. استفاده از روش های نوین حفاظت و نگهداری سلول ها، ویرایش ژنوم و کلون کردن موجودات زنده، راهکاری است که در این مقاله پیشنهاد شده است. با نگهداری و حفاظت ژنوم همه افراد، می توان تنوع ژنتیکی را در جامعه حفظ کرده و به ثبات رفتاری جامعه کمک کرد. بر اساس این مفاهیم جدید، تفسیر و تاویل و قرائت نوینی از آیه ۱۷۸ سوره بقره مبنی بر وجود حیات در قصاص استنباط می شود. طبق بحث انجام شده، این راهکار منافاتی با مبانی فقهی و حقوقی اسلام ندارد.

منابع

- اسفندانی، سمانه ، ۱۳۹۴ ، امام ، محمدرضا ، نصرت خوارزمی حنانه ، ، بررسی مسئله روح در شبیه سازی انسان ، دوفصلنامه علمی - پژوهشی انسان پژوهی دینی سال دوازدهم، شماره ۳۳ ، بهار و تابستان.
- اشرفی ، منصور ، ۱۳۷۶ . مجله درسهایی از مکتب اسلام، (مقاله کلونینگ از نظر اخلاقی)، قم، چاپ سپهر، مرداد ماه سی و هفتم، ش ۵ .
- ایزدی فرد ، علی اکبر ، پیر دهی حاجی کلا ، علی ، ۱۳۸۹ ، بررسی فقهی وضعیت نسب در شبیه سازی انسانی ، مجله مدرس علوم انسانی ۱۴ ، ۲ ، تابستان.
- پور قهرمانی ، بابک . ۱۳۸۳ ، کاوشی نو در فقه اسلامی، نگاهی به شبیه سازی انسان ، شماره ۳۷ .
- قرضاوی، یوسف ۱۴۲۳ ق.، ترجمه ، سعیدیانی ، نور الدین ، شبیه سازی ، مجله دین پژوهان، ۱۳۸۲، ش ۳ .
- رشید رضا ، محمد، تفسیر المنار ، ح ۲ ص ۱۳۲ .
- رحیمی نژاد ، اسماعیل ، ذاکر ، منصور ، ۱۳۹۲ ، ، واکاوی نظریه وجوب تعیینی قصاص در قتل عمد در مقایسه بانظریه تخییر ، مطالعات فقه و حقوق اسلامی سال ۵ شماره ۹ پاییز و زمستان .
- راعی ، مسعود ، حسینی ، سید اسماعیل ، ۱۳۹۱ ، حکومت اسلامی / سال هفدهم، شماره چهارم، زمستان ، پیاپی
- طباطبایی، سید محمد حسین، ۱۳۷۵ ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، تفسیر المیزان، ج ۲ و ۱۰ و ۲۵ ، چ ۶ قم، مؤسسه انتشارات دارالعلم.
- طبرسی، فضل ابن حسن ، احتجاج، ج ۲ .
- علیان نژادی، ابوالقاسم ، ۱۳۸۰ ، شبیه سازی، مجله پژوهش و حوزه، ش ۶ .
- فضل الله، سید محمدحسین ، الندوة، بیروت، ج ۱۰ .
- محمدی ، روح الله ، ۱۳۸۸ ، معایب و محاسن شبیه سازی انسان و آثار آن در فقه و حقوق ، مطالعات علوم سیاسی حقوق و فقه ، دوره دوم ، ش ۴/۲ .

Robert Plomin, John C. DeFries, Valerie S. Knopik, Jenae M. and Neiderhiser, L. Behavioral Genetics (Sixth Edition), 2013. Worth Publishers, New York.

Chagastelles, PC. Nard, NB (2011) Biology of stem cells: an overview. Kidney International Supplements, 1:63-67.

Jang, K.L. The behavioral genetics of psychopathology : a clinical guide, 2005. Lawrence Erlbaum Associates, Inc., Publishers, USA.

Natsuaki, M. N., Ge, X., Leve, L. D., Neider hiser, J. M., Shaw, D. S., Conger, R. D. and Reiss, D. Genetic liability, environment, and the development of fussiness in toddlers: The roles of maternal depression and parental responsiveness. Developmental Psychology, 2010. 46: 1147-1158.